نقش اصول القرائة و حرکات در معنا

شاگرد: شما فرمودید: ثنائی معنا نکنند؟

استاد: آنچه که عرض من است، این است که برگردیم تمام حوف را ببینیم. لذا عرض کردم در آیندە، هوش مصنوعی در فقه اللّغة، میتواند خیلی کارساز باشد. چون ما باید اینها را جمع کنیم و زحمت بکشیم، اما هوش مصنوعی با سرعت اینها را تنظیم میکند. ما میخواهیم، بگوییم هر کدام از حوف، خودشان یک جور معنای طبعی دارند. ترتیبشان باز یک معنا دارد، ابواب ثلاثی مزید هم معنا دارند، حرکات معنا دارند. همهی اینها را آن وقت در یک نظام کل، با هم جمع میکنیم. بنابراین نگوییم: «مزّ» و «مرّ» تمام! بلکه میگوییم: «م ز ج» و «م ر ج». همان کاری که نظیرش را ابنجنی در خصائص کردە است. باید همهی اینها را در نظر بگیریم. بازگشت ما به بسائط است. بسائطی که نه فقط حوف، بسائطش باشند. ترتیب هم از بسائطش است. یعنی فاء الفعل بودن، عین الفعل بودن و لام الفعل بودن هم دارد نقش ایفاء میکند. خود موضع قرار گرفتن حرف، آن معانی حرفی را رنگآمیزی میکند. نباید از آن غض نظر شود. حرکت حرف - نه فقط موضع آن - مفتوح بودن آن، امالە شدن آن و ... نیز دخالت دارد. در بحث قرائت هم صحبت شد؛ امالههایی که میشود خودش از انواع حوف مصوت است. ولو فعلاً در زبان عربی، بهعنوان « phonem» نیست. یعنی وقتی یک چیزی را امالە میکنید، معنا تغییر نمیکند. مثلاً کلمهی «مالک» را اگر با امالە ادا کنید یا بدون امالە، فونم جدید ندارید. ولو دو نحو ادا دارید؛ دو تا فون دارید؛ یک فون با مصوت امالە و یک فون با مصوت فتحهی کشیدە.

علی أیّ حال، وقتی امالە میشود، فونم ندارید، یعنی معنا تغییر نمیکند. اما در زباناهایی هست که همین امالە، خودش فونم است. یعنی وقتی شما «مالک» را بدون امالە بگویید با وقتی که «مالک» را امالە کنید، اصلاً دو معنا میدهد. اینجا است که واج مطرح میشود. واج، معنا را تغییر میدهد. ما در عربی فعلی خودمان، فعلاً انواع ادائها و اصول القرائة، هیچکدام نقش واج ندارند. یعنی صرفاً نحوهی ادا هستند، اما عند اللّه تعالی و در مطالبی که در طبایع الفاظ است، لایتانهی است.

بازبینی #2
ایجاد شدە 29 ژانویه 2024 13:22:19 توسط ... .
به روزرسانی شدە 10 فوریه 2024 13:38:30 توسط ... .